

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد هارون خیل شعشی

۱۳ اکتوبر ۲۰۱۱

## منافقت و دو روئی- سرلوحه سیاست های ایران

رژیم توسعه طلب و مداخله گر آخوندی ایران با شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» پا به عرصه وجود گذاشت؛ اما در عمل همواره دنباله رو شرق و غرب بوده است. در این مقاله مختصر مواردی چند از منافقت و دو روئی آشکار آخوند های حاکم بر رژیم ایران را تقدیم خوانندگان عزیز می داریم تا خود قضاوت نمایند، که در حرف و عمل این مدعیان دروغین اسلام، شیعیزم و فارسیزم چه تناقضاتی وجود دارد .

وضع رقتبار و المناک اهل تسنن ایران مسأله ای است، که منافقت و دو روئی رژیم خبیث آخوند های ایرانی را به خوبی برملا می سازد. بر آگاهان امور پوشیده نیست، که تحت نظام اختناق آور آخوندی، علمای اهل تسنن سیستان و بلوچستان، کردستان و سایر مناطق ایران با بی رحمی تمام کشته یا زندانی می شوند. مدافعان کاذب و ریاکار تشیع جهان در حالی که به سنیان مظلوم کشور خود حق پر با کردن مراسم مذهبی شان را نمی دهند، در سایر کشور ها تحت پوشش دروغین دفاع از حقوق و آزادی های شیعیان، بی شرمانه دست به توطئه چینی و فتنه انگیزی می زنند.

ادعا های بلند بالای رژیم منافق آخوندی ایران مبنی بر حمایت از حقوق و آزادی های مسلمانان جهان در واقعیت امر با هیچ گونه اصول و موازین پذیرفته شده انسانی، اسلامی و اخلاقی مطابقت ندارد؛ زیرا هموطنان ما همه شاهد بوده اند، که مزدوران رژیم منحط و بی عاطفه آخوندی در برابر پناهندگان مظلوم و مصیبت زده افغان به چه اعمال مستهجن و دور از کرامت انسانی توسل نه جستند؟ این بیت سخنور بزرگ - سعدی شیرازی ( ۶۰۶ - ۶۹۱ هـ ق) اندر باب همچو دجالان و شیادان، چه خوب مصداق می یابد:

گر تو قرآن بدین نمط خوانی

بیری رونق مسلمانی

خوانندگان آگاه ما مضحکه ایران گیت یا ایران کنتررا را در سال ۱۹۸۶م خوب به خاطر دارند، که رژیم دو روی آخوندی ایران مانند امروز در ظاهر «مرگ بر امریکا»، «مرگ بر شیطان بزرگ» و «مرگ بر اسرائیل»

شعار می دادند، ولی درخفا جهت به دست آوردن اسلحه آمریکائی از هیچ نوع سازش و تبانی با اداره رونالد ریگن دریغ نه ورزیدند.

بر خبرگان سیاسی کشور ما نیک هویداست، که رژیم آخوندی ایران علی رغم هیاهوی ظاهری مبنی بر دفاع از جهاد مردم افغانستان علیه نیروهای مهاجم روسی و حکومت دست نشانده شان، در عقب پرده با حکومت نجیب الله نیز به مذاکره و مقابله می پرداخت. گزارش های منتشره درین زمینه حاکیست، که در توافقات سری میان حکومت نجیب الله و رژیم استیلاء گر ایران از اعطای خود مختاری به هزاره های بامیان، بحث به عمل آمده بود. این توافقات دو جانبه، اگر از یک جانب بر عمرحکومت انزواء یافته و محاصره شده نجیب الله، که با دشواری های گوناگون سیاسی و اقتصادی در کشور دست و پنجه نرم می کرد، تا حدودی می افزود؛ از جانب دیگر به حکمروایان رژیم مداخله گر ایران فرصت می داد تا با دست باز تحت پوشش کمک های انساندوستانه در امور داخلی افغانستان، به خصوص مناطق هزاره نشین ما، مداخله نمایند. اسلحه جا سازی شده در محموله های پرواز های مشهد - بامیان، جنگجویان حزب وحدت اسلامی را قادر می ساختند تا مواضع نظامی خویش را نه تنها در برابر رقبای مسلط در منطقه، به ویژه حزب اسلامی و جمعیت اسلامی، بیش از پیش مستحکم ساخته، بلکه به مثابه یک نیروی نظامی تعیین کننده در شرایط بعد از سقوط حکومت نجیب الله، تبارز دهند.

آخوند های منافق ایران چگونه می توانند داد از مخالفت و دشمنی با ایالات متحده آمریکا یا به قول خود شان «شیطان بزرگ» بزنند، در حالی که از تجاوز بی شرمانه و ظالمانه آنان بر سرزمین سربلند و پُر افتخار ما، افغانستان عزیز، با تمام قواء حمایت و پشتیبانی به عمل آوردند. مگر ممکنست از یکسو حضور تفنگداران امریکائی و تأسیس لشکرگاه های دایمی شان را در افغانستان اشغال شده به باد نکوهش و انتقاد گرفت؛ ولی از سوی دیگر به کمک و همکاری رژیم دست نشانده حامد کرزی و گروه های مزدور شامل در آن (اتحاد شمال) شتافت؟!

کشور جنگ زده عراق را در نظر بگیرید. آخوند های حاکم بر رژیم توسعه طلب ایرانی مانند افغانستان در سرزمین آشوب زده و ویران شده عراق نیز از یکسو هیاهوی تجاوز امریکا و متحدینش را به راه انداخته اند؛ و از سوئی هم کلیه طلایه داران و حامیان تهاجم استعماری امریکا و شرکاء چون آیت الله محمد باقر حکیم و عزیز حکیم رهبران «شورای عالی برای انقلاب اسلامی در عراق»، مقتداء صدر رهبر جنبش صدر، نوری المالکی رهبر «حزب دعوت اسلامی»، احمد چلبی جاسوس بدنام سی . آی . ای . و دهها نوکر گوش به فرمان استعمار امریکائی و اروپائی را با همه نیرو و توان شان، مورد تفقد و پشتیبانی قرار داده اند. از آخوند های محیل و مزور ایرانی باید پرسید:

هرگاه امریکا و شرکای تجاوزگرش را جنایتکار و متجاوز عنوان می گذارید، آنگاه مزدوران زرخرد شان را نیز باید گروه ها جانی و خابین خطاب نمائید. دراین منطق ساده و روشن، جای هیچ ابهام و پیچیدگی وجود ندارد؛ چه همگان می دانند، اگر همچو گروه های سیاهکار و معامله گر داخلی وجود نمی داشت، استعمارگران امریکائی و اروپائی هرگز نمی توانستند افغانستان، عراق و لیبیا را مورد تاخت و تاز نظامی خویش قرار داده؛ و راه را برای اشغال دایمی آن، هموار سازد؟ بی نیاز از اثبات است، که گروه های مزدور و وطنفروش عراقی نیز به سان برخی گروه های خابین و جنایتکار افغانستان در آغوش گرم و پر عطوفت رژیم فرتوت آخوندی ایران، پرورش یافته اند. بنابراین، درکلیه جرم و جنایت این گروه های مزدور و خود فروخته عراقی، بیش از همه دست رژیم آخوندی ایران مضمّن است .

ماجرای دستگیر شدن پانزده (۱۵) کارمند نیروی بحری انگلستان توسط پاسداران انقلاب ایرانی را همه خوانندگان آگاه ما به خاطر دارند. در حالی که زمامداران رژیم آخوندی در اول وهله از تجاوز به قلمرو بحری شان صحبت می نمودند، که جرمیست سنگین وخطیر؛ اما بعد از مواجه شدن با تهدید های مقامات انگلیسی در زمینه، به زود ترین فرصت همه کارمندان دستگیر شده را توأم با تحایف و هدایا، تحویل کشور شان ساختند. این مورد چاکرمنشی آخوند های ترسو را نه تنها ریا کاری و دو روئی، بلکه جبن ویزدلی نیز نام باید گذاشت؛ و این در حالی است، که اربابان همین رژیم آخوندی صد ها مهاجر مظلوم و درمانده افغان را، که نه متجاوز بودند و نه جاسوس، خلاف همه موازین پذیرفته شده حقوقی و انسانی، جوخه جوخه به پای دار بردند؛ و انواع مظالم و اهانت های ضد بشری را در حق پناهندگان بیچاره ما روا داشته اند.

وضع متشنج شرق میانه و شمال افریقا مثال برجسته ای است، که بر منافقت و دو روئی رژیم فتنه گر ایران، یک بار دیگر صحنه می گذارد. چنانکه بر همه خوانندگان گرامی روشن است، رژیم آخوند های مکار ایران از تهاجم وحشیانه نیروهای استعمارگر علیه مردم لیبیا در عمل حمایت و پشتیبانی نموده؛ و گروه های مزدور و تروریست لیبیا را در رسانه های جمعی کشور شان، به نام نیرو های انقلابی یاد می نماید؛ و این در حالی است، که رژیم آخوندی ایران مظاهرات و اعتراضات طیف وسیعی از مخالفان سیاسی خویش را به نام شورش ایادی امریکا، انگلیس، اسرائیل و سایر ممالک بیرونی، به گلوله می بندد. مگر می توان کسانی را انقلابی شمرد، که به فرمان، رهنمائی، اسلحه، پول، مهمات و وسایل استعمارگران جنایتکار، دست به عصیان و طغیان زده اند؟! آیا سرکردگان رژیم خرافاتی وکریبلائی ایران می توانند ازاین حقیقت آشکار و روشن انکار ورزند، که تهاجم نظامی علیه لیبیا نه به خاطر محافظت و صیانت از مردم بی دفاع ملکی، بلکه به منظور تحقق اهداف و مقاصد سیاه استعماری سازماندهی شده است، که به علاوه لیبیای جنگ زده و ویران شده، استقلال و هست و بود سایر ملل همجوار را نیز در معرض تجاوز و چپاولگری قرار خواهد داد. ازین رو، همدستان جنایات هولناک جنگی استعمارگران در لیبیا را نمی توان چیز دیگری نام گذاشت، مگر گروه های مزدور و خود فروخته. هزار نفرین و لعنت بر «انقلابی» که زیر سایه شوم بم ها و راکت های دد منشانه استعمارگران جنایت پیشه، به پیروزی می رسد. بدین ترتیب، واضح و روشن می بینیم، که آخوند های منافق ایران با دفاع از گروه های مزدور و جنایتکار در افغانستان، عراق و لیبیا عملاً از منافع امپریالیستی ایالات متحده، کشور های استعمارگر غربی و اسرائیل دفاع می کنند.

شکی نیست، که مردم لیبیا تحت رژیم یکه تاز و انحصارگر قذافی از حقوق و آزادی های سیاسی محروم بودند؛ اما با وصف آن هم نیروهای استعماری جهان هیچ حق نداشت و ندارد تا با توسل به زور و قوه و استخدام گروه های دهشت افکن، به سرنگونی آن مبادرت ورزد. حکومت انحصارگر و توتالیتر قذافی با همه معایب و نارسائی هایش بر رژیم واپس گرای آخوند های ایرانی، دولت فرتوت عربستان سعودی، امارت های مرتجع خلیج، رژیم مستبد علی عبدالله صالح و دولت های مزدور شمال افریقا چون مراکش، تونس، الجزایر و مصر ده ها بار شرف داشت؛ چه دولت قذافی برای ارتقای سطح زندگی مردم لیبیا و پیشرفت اقتصادی قاره افریقا در مجموع، خدمات ارزنده و شایان توصیفی انجام داده بود، که جزئیات آن بر آگاهان و کارشناسان امور به خوبی مبرهن است.

دراین بخش نوشته، سخنی چند از وضع بحرانی و نابسامان سوریه به عرض می رسانیم تا در روشنی آن به منافقت و دو روئی آخوند های حاکم ایرانی، بیش از پیش پی ببریم. چنان که قبلاً اشاره رفت، رژیم مداخله گر و توسعه طلب ایران، گروه های تروریست و مزدور لیبیا را نیروهای «انقلابی» عنوان بخشیده؛ در حالی که مخالفین

رژیم بشار الاسد در سوریه را از شروع تا حال گروه های اجیر و دهشت افکن، خطاب می کنند؛ حال آن که واقعیت چیز دیگری است. بر خوانندگان دانشمند و اهل نظر ما پوشیده نیست، که رژیم بشار الاسد نیز مانند دولت متلاشی شده معمر قذافی، رژیم آزاد و دموکراتیک نبوده است. معذالک، این خصوصیت به هیچ دولت یا دول خارجی حق نمی دهد، که تحت این یا آن نام برای سرنگون کردن آن دست به جنگ تجاوزگرانه یا سایر اعمال نا شایسته بزنند؛ زیرا حاکمیت ملی کشور ها مطابق به اصول و ضوابط مندرج در منشور سازمان ملل متحد و همه موازین حقوق بین الملل از هر نوع تجاوز و تخطی مصون است. روی این استدلال، تغییر یا سرنگونی رژیم های مزدور، مستبد، فاسد، استثمارگر یا هر بد و بلائی دیگر فقط حق انحصاری مردمان همین ممالک است نه نیرو های استثمارگر منطقه ئی و جهانی، که همواره برای تحقق منافع غیر انسانی شان، به بازی های خونین و خطرناکی توسل می جویند.

اما مخالفان رژیم اسد نیز مانند مخالفان رژیم قذافی از گروه های متعددی تشکیل یافته اند. در میان این احزاب، گروه ها و شخصیت های به ملاحظه می رسند، که در مبارزات شان علیه رژیم بشار الاسد به هیچ کشور خارجی یا هیچ سازمان استخباراتی بیگانه وابستگی نداشته؛ و هیچ گاه در مبارزات میهن پرستانه شان، به اعمال تروریستی و خشونت آمیز، مبادرت نورزیده اند. در جوار آنان، گروه های تروریستی و افراطی نیز مصروف فعالیت اند، که برای سقوط رژیم اسد از کشور های بیگانه اسلحه، پول، مهمات و دساتیر دریافت می دارند. بدین ترتیب، نه ادعای اداره اوباما و متحدین اروپائی شان مبنی بر مردمی بودن و خصوصیت مسالمت آمیز اعتراضات در سوریه درست بوده؛ و نه هم ادعای رژیم آخوند های ایرانی که با توجه به منافع ستراتیژیک شان در سوریه و منطقه، قاطبه مخالفان او را تروریست و اعضای القاعده عنوان می گذارند. برخورد سلیقه ئی رژیم آخوندی ایران، ایالات متحده امریکا و متحدان اروپائی شان در برابر قیام های ملل عرب، در واقع مثال آشکار و بارزی است، که از منافقت و دو روئی آنان به بهترین وجه در سرتاسر جهان پرده برداشته است.

از آن چه گفته آمدیم، نتیجه باید گرفت، که سیاست های رژیم آخوندی ایران در بسیاری موارد بر منافقت و دو روئی استوار بوده است. سردمداران رژیم حاضر اند به منظور تحقق منافع سیاسی، اقتصادی و ستراتیژیک خویش در منطقه و جهان، به هر عمل ضد انسانی و ضد اسلامی تن در دهند. همانگونه که «حقوق بشر»، «دموکراسی»، «آزادی زن»، «تأمین عدالت»، «حاکمیت قانون»، «ایجاد جامعه مرفه» و سایر شعار های پُر زرق و برق دولت های استثمارگر غربی حیل و خدعه ای بیش نبوده، شعار های دفاع از فارسیزم و شیعیزم رژیم آخوند های مکار ایرانی نیز تزویر و نیرنگی بیش نیست. فارسی زبانان و شیعیان نجیب جهان باید بدانند، که آخوند های هیژمونیک ایرانی در واقعیت امر پی استقرار امپراتورئی هستند، که بر مبنای آن باید همه ملت های ضعیف و نحیف منطقه تحت عنوان زبان، فرهنگ و مذهب مشترک، نخست به جولانگاه بازی های استعماری و سرانجام مستعمرات تمام عیار آنان مبدل گردند.